

## بسم الله الرحمن الرحيم

### شرح خطبه فدکیه - جلسه شانزدهم

دستگاه خلافت برای مواجهه با ادعای حضرت زهرا دو رویکرد اتخاذ کردند: یک، پذیرفتند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات، مالک اموالی بودند و اگر کسی ادعا دارد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات چیزی به عنوان هبه به آن ها بخشیده باید شهود بیاورند. دو، این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اصلا اموالی نداشتند، بلکه اموال حضرت، طعمه ای بوده و از آن استفاده می کردند و بعد از رحلت ایشان متعلق به مسلمین است. یا این که اگر هم چیزی داشتند همه را قبل از وفات واگذار کردند. چهار پاسخ به رویکرد دوم داده شد.

۵. خمس خیبر: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اموالی را صاحب بودند و به مرحله توارث هم رسیده، از دو کتاب مهم و معتبر مغازی محمد بن عمر واقدی جلد ۲ و کتاب تاریخ مدینه از عمر بن شبه جلد ۲ آمده: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم لشکر خود را به سمت خیبر بردند و حدود یک ماه طول کشید تا قلاع خیبر که هشت قلعه نام برده شده فتح شدند این قلعه ها به دو شکل تصرف شدند، شش قلعه با جنگ و دو قلعه سلاله و طیح با صلح به دست آمدند، سپس پیمان صلح بین یهودیان و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نوشته شد به این صورت که یهودیان در خیبر بمانند و نصف زمین ها را تحویل بدهند و نصف دیگر زمین ها را در آن بمانند و از منافع آن به مسلمین بدهند. قبل از تقسیم غنائم آن چه به دست می آمد فی بود و خمس آن، قبل از تقسیم غنائم باید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سهم خود را برمی داشتند که قلعه کتیبه به عنوان خمس

به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تقدیم شد. مجموع قلاهی خیبر ۴۰ هزار وسق (بار شتر) بود. معادل ۱۸۰ تا ۲۰۰ کیلوگرم که ۲۰ هزار بار شتر متعلق به مسلمانان بود. کیفیت دریافت این گونه بود که نزدیک زمان به بار نشستن محصول یک نفر از اصحاب که متخصص بود را به خیبر می فرستادند، در باغها گردش می کرد. او یهود را مخیر کرد که یا شما کل محصول را بردارید و سهم مسلمانان را بدهید یا ما محصول را برمی داریم و سهم شما را می دهیم، یهود گفتند: ما محصولات را برمی داریم. یهود خواستند عبدالله بن رباح را بخرند، ولی نپذیرفت. او از کودکی در یهود بود، گفتند چه شده برگشتی؟ گفت: من هیچ علاقه ای به شما ندارم و شما نزد من از خوک منفورترید. در مورد تقسیم غنایم هم بعد از جدا شدن خمس مجموعاً به ۱۸ سهم تقسیم کردند، هر سهم بین ۱۰۰ نفر تقسیم می شد و هر صد نفر یک نماینده داشت که امیرالمومنین علیه السلام یکی از نماینده ها بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز به عنوان یکی از اعضا سهم می بردند. مورد بعد صفایایی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داشتند، از جمله صفیه دختر بنی نضیر جزو اسرا بود و جزو صفایای حضرت به شمار می آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مسیر بازگشت اسلام را به او عرضه کردند و پذیرفت و بعد پیشنهاد ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را قبول کرد. وقتی به مدینه رسیدند و این خبر منتشر شد، عایشه شخصی را فرستاد که گزارش بیاورد حفصه دختر عمر به منزل صفیه رفت و گفت: زن زیبارویی است عایشه تعبیر بدی در مورد او می کرد و او را یهودی زاده می خواند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با او برخورد کردند. پس سهام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شامل سه بخش خمس، صفایا و سهام شخصی ایشان از غنایم می شد. جریان خلافت مطلبی را شایعه کردند که فیء را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وقف یا صدقه کرده اند. در مورد صفایا و اموال شخصی گفتند هبه و بخشش بوده است، ولی در مورد خمس خیبر این مسئله دچار مشکل شد. آیه ۴۱ سوره انفال در مورد خمس

آمده و خمس به شش مورد تعلق می‌گیرد. در مورد غنایم خمس ۶ وجه مصرف دارد خدا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذی‌القربی یتیمان و مساکین و ابن السبیل در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ذی‌القربی خمس ملک آن‌ها می‌شود در مورد قلعه کتیبه ۸۰۰۰ بار خرما و ۳۰۰۰ بار جو و غلات مجموع درآمد آن بود، ۴۰۰۰ خرما و ۱۵۰۰ بار جو محصول قلعه کتیبه بود که متعلق به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که بخشی را به عنوان خمس به یتیمان و ابن السبیل می‌بخشیدند و بخشی را خودشان مصرف می‌کردند و بین ذالقربی و نزدیکان تقسیم می‌کردند؛ به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هر کدام صد بار شتر ۸۰ خرما و ۲۰ جو می‌رسید، به حضرت زهرا سلام الله علیها ۲۰۰ بار خرما و حضرت علی علیه السلام ۱۰۰ بار خرما، عباس ۲۰۰ بار شتر، اسامه ۱۵۰ بار شتر. در خمس در بخش غنیمت‌ها سهم حضرت زهرا سلام الله علیها مشخص بوده و یکی از مطالباتی که در مواجهه‌های مختلف بیان کردند خمس خیبر بود. حضرت زهرا سلام الله علیها به ابوبکر فرمودند: «پس کجا رفت حق ما از خمس خیبر؟» در این‌جا دستگاه خلافت متوقف شد و هیچ توجیهی برای این مسئله نداشت ابن ابی عبید در شرح نهج البلاغه گفته: حضرت خمس خود را مطالبه کردند و ابوبکر بدون هیچ توجیه آن را منع کرد. خلیفه با کمال وقاحت آن را منع کرد و گفت خرج جنگ می‌شود. کتیبه از ماترک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و گفتند آن را هم جزو صدقات قرار دادند. در مورد توارث در سهم ذی‌القربی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حتی در زمان ابوبکر اگر کسی از صاحبان سهام از دنیا می‌رفت یا شهید می‌شد، به ورثه می‌رسید، اما عمر آن را منع کرد و گفت به حکومت برمی‌گردد. به طور مثال وارثان زید ابن حارث و جعفر از ارث محروم شدند. در قضیه وراثت، در سهام همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را استثنا کردند به عنوان مثال زینب همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ابوبکر پدر عایشه را استثنا کردند. نکته بعدی این که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و

سلم یهودیان مستقر در خیبر پیمان‌نامه‌ای نوشتند و در زمان ابوبکر هم به آن عمل می‌شد، اما عمر گفت من حدیثی شنیدم که دو دین در یک منطقه نمی‌تواند باشد و همه یهودیان را از جزیره العرب اخراج کرد و به عراق و فلسطین فرستاد، توجیه دیگر از فرزند اوست که من وارد خیبر شدم برای تقسیم غنایم و یهودیان به دست من آسیب زدند و پدرم آنها را اخراج کرد یا این که گفته شده دست داشتن یهودیان در قتل یک مسلمان بهانه‌های عمر برای اخراج آنها از جزیره العرب بوده است. در گزارش آمده همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم جزو سهامداران بودند و عمر آنها را مخیر کرد یا فقط منافع را بگیرند یا زمین را تصرف کنند، عایشه و حفصه زمین را گرفتند. تا این زمان سهام ذی‌القربای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حفظ شده بود در حالی که سهام حضرت زهرا سلام الله علیها را با تمام جسارت منع کردند. تمام حقوق حضرت را با طرح و برنامه منع کردند، به اعتبار خلیفه بودن با بضعه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین رفتاری کردند، الان هم این تفکر نسبت به احکام اهل سنت حکام اهل سنت وجود دارد. در برابر جنایت حکام خود کاملاً ساکت هستند و این خط باطل از اول وجود داشته که باید تابع اولی‌الامر باشند، یک قاضی در زمان یکی از خلفای عباسی برای قضاوت دعوت شد، او قبول نکرد، خلیفه مرتب او را شلاق می‌زد و او می‌گفت: من شما را قبول ندارم چون حاکم جور هستید. گفتند: چرا در مقابل خلیفه نمی‌ایستی؟ گفت: چون آن‌ها ولی امر هستند و من باید از آن‌ها اطاعت کنم. فدک ضامی دارد که شاید مهم‌تر از خود فدک باشد که یکی از آنها موضوع خمس است.

**حوزه مجازی مهندس طلبه: [www.onlinehawzah.com](http://www.onlinehawzah.com)**

**شبکه‌های اجتماعی: [@onlinehawzah\\_com](https://www.instagram.com/onlinehawzah_com)**

**اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجه**